

مرگ خودخواسته دختران نوجوان، واکنشی به تبعیض جنسیتی

Photo: visual28/Bigstock.com

نعیمه دوستدار

خبر خودکشی دانش‌آموزان دیگر در رسانه‌های ایران چندان عجیب و نادر نیست. در طول سال ۴۹، دست کم ۳۱ دانش‌آموز در ایران **دست به خودکشی زدند** و جان خود را از دست دادند. علت شش خودکشی «مسائل تحصیلی، عدم قبولی در امتحانات یا کنکور و احضار والدین به مدرسه» و علت سه مورد دیگر از نیز «سرزنش والدین، خستگی از شرایط زندگی و دیدن فیلم در رابطه با خودکشی» اعلام شد.

بنا به آماري که فاطمه دانشور، عضو شورای شهر تهران در ۸ آبان ۴۹۳۱ اعلام کرده، از سال ۱۸۳۱ تا ۳۸۳۱ تعداد ۱۱۱ کودک در ایران اقدام به خودکشی کرده‌اند. این کودکان میان ۸ تا ۳۱ سال سن داشته‌اند و خودکشی آنها به شیوه مسمومیت بوده است. ۹۵ نفر از این کودکان پسر و ۲۵ کودک نیز دختر بوده‌اند.

خودکشی دختران نوجوان در صدر اخبار

حالا باز هم خبر خودکشی یک دختر ۲۱ ساله مشهدی **منتشر شده است**. رسانه‌ها نوشته‌اند که او در راه برگشت از مدرسه دست به خودکشی زده است. این دختر ۲۱ ساله روی برکه کوچکی نوشته است که وسایلی را میان دوستانش تقسیم کنند. دست‌نوشته را در بازرسی جیب‌های این دختر پیدا کرده‌اند: «وسایلم را بین دوستانم تقسیم کنید. پدر و مادر عزیزم من شما را دوست دارم، اگر خودم را می‌کشم به خاطر شما نیست، به خاطر خودم است.»

آنچه که یک دختر نوجوان را به مرحله‌ای می‌رساند که خودکشی کند چیست؟ رسانه‌ها نوشته‌اند که ترس او از تنبیه پدر به دنبال اخراج شدنش از مدرسه عامل این خودکشی بوده. مدرسه او را برای یک هفته اخراج کرده و او هم خودش را از طبقه چهارم یک ساختمان به پایین پرتاب کرده و کشته شده است. پدر این دختر ۲۱ ساله خود را دلیل خودکشی دخترش معرفی کرده: «او به خاطر ترس از من و اینکه مبادا دوباره تنبیهش کنم، دست به خودکشی زده است.»

چند هفته قبل، نمره پایینی گرفته و مدرسه پدرش را خواسته است. پدر به شدت با دخترش برخورد کرده است. دوباره او را به مدرسه خواسته‌اند. این بار دختر وسیله‌ای ممنوع با خود برده است. مدرسه دختر را یک هفته از کلاس اخراج کرده می‌کند. مشخص نیست این دانش‌آموز مشهدی چه وسیله‌ای با خود به مدرسه برده که باعث شده است یک هفته اخراج شود.

۷۱ اردیبهشت هم یک دختر ۳۱ ساله خود را از پلی در تهران پرتاب کرد و در دم درگذشت. روز یکشنبه ۹۱ اردیبهشت دختر نوجوان ۴۱ ساله‌ای در محله کوره موسوی شهر مریوان، در زیرزمین خانه پدری خود را به دار آویخت.

اگر رد اخبار را دنبال کنیم، این روایت‌ها فراوان است.

خودکشی قاتل دختران

در پایان سال گذشته آماری تکان‌دهنده در **گزارش سازمان بهداشت جهانی** منتشر شد. طبق این آمار، خودکشی عامل پیشگام مرگ دختران نوجوان در سراسر جهان بوده است.

بیشتر دخترانی که بین سن ۵۱ تا ۹۱ سال بوده‌اند بیش از اینکه در اثر تصادفات جاده‌ای، بیماری و عوارض ناشی از حاملگی بمیرند، در اثر خودکشی جان باخته‌اند.

در طی سال‌ها، اعتقاد بر این بود که فرزندآوری علت اکثر مرگ‌ها در این گروه سنی است؛ اما در دهه اخیر و بر اساس آخرین آمار که مربوط به سال ۲۰۰۲ است، خودکشی از فرزندآوری جلوتر افتاده است. این گزارش سازمان بهداشت جهانی شش منطقه جهانی را بررسی کرده است. در اروپا، خودکشی قاتل اول دختران نوجوان است. در آفریقا، خودکشی حتی جزو پنج عامل اصلی مرگ دختران نیز نیست چون مرگ و میر مادران و ایدز عوامل اصلی آن هستند.

ولی در هر منطقه از جهان، به جز آفریقا، خودکشی جزو سه دلیل اصلی مرگ دختران بین ۵۱ تا ۹۱ سال است.

رابطه میان خودکشی و انتظارات از دختران

چنین آمار دقیقی در ایران وجود ندارد. درست است که آمارهای محدود منتشر شده در ایران می‌گویند که تعداد پسران نوجوانی که به دلیل خودکشی از دنیا رفته‌اند بیش از دختران است اما همین آمارها نشان می‌دهند که اقدام به خودکشی در میان دختران بیشتر است.

با مروری بر روایت‌های منتشر شده درباره خودکشی دختران می‌توان به سرخ‌های مشترکی رسید که نشان می‌دهد در مواردی علت اقدام به خودکشی دختران با پسران تفاوت دارد. سن نوجوانی به خودی خود برای دختران سن حساسی است چون این احتمال وجود دارد که در این سن مجبور شوند مدرسه را ترک کنند و مسئولیت‌های خانگی را بپذیرند و مجبور شوند توانایی‌ها و آرزوهایشان را قربانی آن کنند. رسیدن به سن بلوغ می‌تواند برای دختران گاه به معنی این است که دیگر اجازه خروج از خانه و معاشرت با دیگران را ندارند.

فشارهای اجتماعی و غلبه سنت بر زندگی دختران یکی دیگر از این سرخ‌های مشترک است. انتظارات و توقعات یک جامعه سنتی از دختران بیشتر است و محدودیت‌ها هم شدیدتر. فشار خانواده و مدرسه بر دختران برای کنترل رفتار و رفت و آمدها و روابط آنها، خشونت‌های ناموسی، اجبار آنها به ازدواج در سنین پایین از جمله این انتظارات و مشکلات است.

در حالی که در میان دختران نوجوان خودکشی کرده، کسانی دیده می‌شوند که متاهل‌اند، مانند دختر نوجوانی که سال گذشته در اهواز در خانه شوهرش خود را از ارتفاع پرت کرد، کمتر پسر نوجوانی وجود دارد که انگیزه‌اش از خودکشی اعتراض به ازدواج اجباری باشد.

ازدواج در کودکی دختران را از همسالان خود دور می‌کند و در معرض رابطه جنسی زودهنگام و ناخواسته قرار می‌دهد. این نوع ازدواج دختران را به سادگی در معرض خشونت قرار می‌دهد و مستعد خودکشی می‌کند.

دختران نوجوانی که نمی‌خواهند به ازدواج اجباری تن بدهند در مناطق روستایی و عشایری خود را آتش می‌زنند و در استان‌های ایلام، کرمانشاه، و همدان این گونه خودسوزی‌ها بیشتر گزارش شده است.

همچنین دختران نوجوان به دلیل آزارهای جنسی و تجاوز دست به خودکشی می‌زنند. در شرایطی که حمایت قانونی از دختران قربانی تجاوز یا آزار جنسی وجود ندارد و خانواده‌ها هم آنها را با خشونت مضاعف رو به رو می‌کنند. به دلیل نبود آموزش‌های جنسی دخترانی که در معرض این نوع آزارهای قرار می‌گیرند، ممکن است مرز تجاوز و آزار را تشخیص ندهند و از ترس از دست دادن بکارت، تهدید فرد متجاوز یا احتمال خشونت و سرزنش خانواده دست به خودکشی بزنند.

از سوی دیگر، فشارهای اجتماعی نیز بر دختران بیشتر است. برخورد گشت ارشاد، فشار مدرسه و محیط‌های آموزشی بر رعایت حجاب و تنبیه دانش‌آموزان به خاطر به همراه داشتن وسایل ممنوعه که اغلب شامل لوازم آرایش، فیلم و سی دی موسیقی است، در مورد دختران شدیدتر است و با اغماض کمتری مواجه می‌شود و در نمونه‌هایی مانند خودکشی دختر ۲۱ ساله مشهدی، ترس از همراه شدن مساله با خشونت خانگی عواقب غیرقابل جبرانی دارد.